



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۰۴

فردوس

روایت سازی کاذب

شماری از فعالان سیاسی در غرب می‌خواهند این روایت را بفروشند که طالب‌ها منعطف شده‌اند، به انحصار قدرت باور ندارند و می‌خواهند که نظم سیاسی متکثر را بپذیرند. در اقتصاد و سیاست وقتی کسی به انحصار باور نداشته باشد، به رقابت روی می‌آورد. آنانی که می‌گویند طالب‌ها دیگر به انحصار قدرت باور ندارند، منظورشان این است که این گروه می‌تواند در آینده، مثل یک نیروی سیاسی مشروع در سیاست افغانستان سهم بگیرد و با دیگر نیروهای سیاسی رقابت کند. اما این فعالان سیاسی و آنانی که خود را تلاش‌گران ضد جنگ می‌نامند، واقعیت حضور یک "امیرالمومنین" در راس گروه طالبان را نادیده می‌گیرند. رهبری طالب‌ها را کسی به عهده دارد که این گروه به او لقب "امیرالمومنین" داده است.

تفکرسیاسی‌ای که حضور یک امیرالمومنین را لازمی می‌داند، چیزی را به نام رقابت سیاسی به رسمیت نمی‌شناسد. این تفکر از همه می‌خواهد که به امیرالمومنین "بیعت" کنند. شما هر تعریفی که از "امیرالمومنین" و "بیعت" داشته باشید، با سیاست رقابتی قابل جمع نیست. طالب‌ها هیچ‌گاهی در این زمینه انعطاف نشان نداده‌اند. آنان پیوسته می‌گویند که جنگ‌شان انگیزه ایدئولوژیک دارد و برای برپایی امارت می‌جنگند. افغانستان از امارت طالب‌ها تجربه زیسته دارد. آن امارت و مبانی نظری آن کثرت‌گرایی سیاسی را بر نمی‌تابد. امارت طالبی یک حکومت غیر انتخابی است که مشروعیت‌اش را از فتوای مذهبی می‌گیرد. مشروعیت انتخاباتی در فکرتالابی جا ندارد.

در تفکرسیاسی طالب، از همه خواسته می‌شود که به "امیرالمومنین" گوش دهند و فرامین او را بدون چرم و چرا اجرا کنند. در این تفکر چیزی به نام شهروند وجود ندارد که صاحب قدرت سیاسی و صلاحیت قانون‌گذاری تلقی شود و بعد این صلاحیت را به نماینده منتخب خود از طریق انتخابات واگذار کند. طالب‌ها و همپیمانان بیرونی آنان، صلاحیت قانون‌گذاری انسان شهروند را انکار می‌کنند. از نظر آنان تفکری که صلاحیت قانون‌گذاری انسان شهروند را به رسمیت می‌شناسد، منافی اصل خداواری است.

کثرت‌گرایی سیاسی و نظم مبتنی بر آن، یک ارزش لیبرال است. براساس این نظم سیاسی، انسان‌های شهروند علاوه بر این که حق دین‌داری‌شان محفوظ است، یک سلسله امتیازاتی دارند که به آن حقوق بشر گفته می‌شود. فصل دوم قانون اساسی افغانستان، به برخی از این امتیازات و جاهت حقوقی بخشیده است. تفکر طالب‌ها با چنین چیزی بیگانه است. آنان حقوق بشری افراد را به رسمیت نمی‌شناسند و انسان را مکلف به پیروی از فتوای مذهبی می‌دانند. به همین دلیل بود که این گروه در زمان حاکمیت‌شان مردان و زنان را به جرم این که فتوای مذهبی را عملی نمی‌کردند، شلاق می‌زد. تفکرسیاسی رقابتی و کثرت‌گرا در یک دولت-ملت قابل اجرا است. وقتی سازمانی "امیرالمومنین" دارد، روشن است که به اصل دولت-ملت، چندان باورمند نیست. به همین دلیل است که خارجی‌ها هم به رهبر طالبان بیعت کرده‌اند.

همپیمانی طالب‌ها با القاعده به هیچ وجه یک تصادف نبود. سنخیت ایدئولوژیک آنان را کسی نمی‌تواند انکار کند. بحث این که القاعده آجندای جهانی دارد و طالب‌ها آجندای محلی بسیار گمراه‌کننده است. واقعیت بسیار پیچیده‌تر از این است. رهبران القاعده به رهبری طالبان به عنوان "امیرالمومنین" بیعت کرده‌اند. این امر نشان‌دهنده رابطه عمیق آنان است. رابطه طالبان و القاعده به این مورد ختم نمی‌شود. سران القاعده رهبران و صفوف طالب‌ها را تغذیه ایدئولوژیک کرده‌اند. طالب‌ها مبانی نظری حمله انتحاری را از عرب‌های سازمان القاعده آموختند. علاوه بر این، برخی از رهبران القاعده، حتی سردسته‌های قدیمه متوسط طالبان را آموزگاران نظامی خود اعلام کرده‌اند. کسی که مدعی است که طالب‌ها تفکر انحصار را کنار گذاشته‌اند، از جهادپسم جهانی فاصله گرفته‌اند و طرفدار مذاکره‌اند، فکت‌های را که در بالا آمد چگونه توضیح می‌دهد؟

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

واقعیت این است که طالب‌ها یک سازمان جهادپرست طرفدار یک امارت ایدئولوژیک است که برای برپایی آن می‌جنگد. آنان همیشه دو موضوع را به عنوان اهداف استراتژیک خود مطرح کرده اند که یکی خروج نیروهای بین‌المللی و دومی برپایی یک حکومت شرعی است. هر دو خواست گروه طالبان ایدئولوژیک است و تفاوت اساسی با آجندای اسلام‌گرایان خارجی و جهادپرست‌های جهانی ندارد. آنانی که با خوش‌بینی تمام از انعطاف‌پذیری طالب‌ها صحبت می‌کنند، واقعیت‌های را که نگارنده توضیح داد به بسیار ساده‌گی نادیده می‌گیرند.

تلاش‌های جهانی برای پایان جنگ افغانستان مبنای منطقی محکم دارد. جنگ به بن‌بست رسیده است و برای این جنگ باید یک راحل سیاسی پیدا شود. اما روایت‌سازی‌های کاذب کمکی به پایان جنگ نمی‌کند. طالب‌ها از آغاز ظهورشان تاکنون آجندای متفاوتی مطرح کرده اند. این گروه در آغاز اعلام کرد که می‌خواهد، افراد غیرمسول را خلع سلاح کند. بعد تلاش کردند که خود را نیروی پشتیبان شاه سابق معرفی کنند. اما طالب‌ها در هیچ دوره‌ای از مطالبات ایدئولوژیک‌شان عقب نشینی نکرده اند.

پایان

با تشکر از روزنامه ۸ صبح